

اوضاع کنونی بین‌المللی، ایران و وظائف ما

ما بر مبنای ضرورت تحلیل اوضاع جهانی و ایران و بیرون کشیدن وظائف جنبش کمونیستی از آن، این نوشته طولانی را تدوین کرده‌ایم. این نوشته سه بخش مرتبط با هم دارد:

- ۱- اوضاع بین‌المللی
- ۲- اوضاع داخلی ایران
- ۳- وظائف مشخص و عملی جنبش کمونیستی و کارگری

اوضاع بین‌المللی:

تضادهای تشدید شوند و ناشی از آن درگیری‌های نظامی فزاینده تاریخی بین مردم فلسطین و دولت فاشیستی اسرائیل در تاریخ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به تهاجم نظامی گسترده حماس به خاک اسرائیل تبدیل شد.

حماس یک سازمان تروریستی فلسطینی، نتیجه نشستی است که در آن نماینده سازمان جهانی اخوان المسلمین (جاسوس بریتانیایی) شیخ احمد یاسین -، نماینده اخوان المسلمین فلسطین و نماینده دولت اسرائیل در ۱۹۸۷ در اورشلیم بر سر به وجود آمدن آن توافق کردند. این سازمان تروریستی هم مورد پشتیبانی اسرائیل و هم جمهوری اسلامی و هم انگلستان است. کمک‌های میلیاردی و تکنولوژی جمهوری اسلامی به حماس دو هدف را پیگیری می‌کند:

۱- ایجاد یک نیروی تروریستی منسجم، کار آمد و آماده به خدمت در سرکوب جنبش‌های مردمی در ایران، زمانی که جنبش‌ها موجودیت رژیم و سرمایه‌داری حاکم بر ایران را تهدید می‌کند.

۲- ایجاد تشنج‌های منطقه‌ای برای کاستن فشار امپریالیست‌های غرب بر خود با بهانه کمک به جنبش فلسطین. اما علت توافق اسرائیل با ایجاد یک سازمان نظامی ضد اسرائیلی، ایجاد یک آلترناتیو فلسطینی در مقابل "سازمان آزادیبخش فلسطین" بود تا از وحدت این مردم و در نتیجه نیروی رزمنده مترقی برای ایجاد یک سرزمین و دولت فلسطینی جلوگیری شود. برای تحقق این نقشه "در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸، نتانیاهو به قطر اجازه داد که در مجموع حدود یک میلیارد دلار به غزه منتقل کند به شرطی که نیمی از این مبلغ در اختیار حماس قرار گیرد." (دمیتری شومسکی "روزنامه‌نگار اسرائیلی")

دولت صهیونیستی - فاشیستی اسرائیل از بدو وجودش تا کنون دست به کشتار هزاران جوان، کودک و دیگر مردمان فلسطینی زده است. ده‌ها هزار تن بمب بر سر این مردم ریخته، کودکان بی گناهی را سوزانده و دست به جنایات هولناکی علیه این مردم آواره ولی رزمنده زده است. فشارها و دردهای سوزان فلسطینی‌ها که هیچگاه تبدیل به یک نیروی مترقی متحد رزمنده نشد، در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ توسط یک نیروی نظامی مرتجع به صورت کور و لحظه‌ای به بیرون تراوید. این حادثه به اسرائیل امکان داد که دست به آنچنان جنایات گسترده‌ای بزند که هزاران نفر زنده زنده در آتش بمب‌هایش سوزانده شوند، ده‌ها هزار زخمی و صدها هزار آواره بر جای ماند. این روند خانمان برانداز هنوز پایان نیافته است. آیریس لائل روزنامه‌نگار اسرائیلی در مورد دولت اسرائیل مینویسد: "این دولت، رودخانه‌های خون روی دستانش جاری است و باید رک و مشخص اعلام کرد کسی که مسئولیت اصلی کشتار صدها شهروند اسرائیلی توسط حماس را بر عهده دارد، شخص بنیامین نتانیاهوست!!" (اقتباس از نوشته دمیتری شومسکی "روزنامه‌نگار اسرائیلی")

نتیجه این حوادث برای مردم فلسطین دوگانه است: از یک سو چهره ددمنش و تروریستی و ضد مردمی حماس را بیشتر شناختند و درکشان از نیروهای دوست و دشمن بالا رفت و از سوی دیگر با از دست دادن مناطق مسکونی، آواره‌تر، پراکنده‌تر و بی خانمان‌تر شدند. هزاران از عزیزان خود را از دست دادند و برای نسل‌های متمادی داغ‌دار شدند.

نتیجه این حوادث برای مردم اسرائیل نیز بالاتر رفتن شعور سیاسی و شناخت بیشتر از دولت جنایت کاری‌ست که بر آن‌ها حاکم است ولی نتیجه این حوادث برای دولت اسرائیل چیز دیگری‌ست: هدف این دولت ۱- گسترش سرزمینی است به نام اسرائیل به هر قیمت. دولت اسرائیل بدون در نظر گرفتن اعتراضات بین‌المللی و فشارهای ناشی از آن، کار خودش را می‌کند (همانند جمهوری اسلامی)، با پشتیبانی دوستان بین‌المللی‌اش مثل آمریکا، فرانسه، آلمان در نظر دارد شهرک‌های جدیدی احداث کند. ۲- تهاجم و تخریب همه جانبه و کشتار فجیع و بی شرمانه در غزه برای خالی کردن منطقه. ۳- ترساندن دولت‌های خاورمیانه‌ای به ویژه ایران که اگر پا تو کفش اسرائیل بکنید، سرنوشت آن‌ها هم همین است. ۴- اسرائیل نمی‌تواند و نمی‌خواهد حماس را از بین ببرد. خودش آن را پرورانده است و اگر حماس نبود، ترک تازی امروز نتانیاهو نیز نبود. اساسا ساختار سرمایه‌داری در اسرائیل و کل منطقه تروریست پرور است. حماس نباشد، سازمان دیگر و غیره. لذا یکی از اهداف اسرائیل در چنین جنایاتی، تقلیل سریع و غیر قابل باور جمعیت فلسطینی‌هاست تا دیگر به عنوان یک ملت نتوانند سر بیلند کنند.

دولت آلمان موضع شدیداً فاشیستی در تقابل با مردم فلسطین اتخاذ کرده است. صدر اعظم آلمان آقای شولتس می‌گوید «دخالت خارجی در درگیری اسرائیل خطائی سهمگین است.» (راديو آلمان) به بیان دیگر هیچ کس نباید به جنایات اسرائیل در غزه اعتراض کند و جلوی آن را بگیرد. چون خط فرمز دولت آلمان امنیت رژیم صهیونیستی اسرائیل است. ایشان در کنفرانس خیری با نخست وزیر اسرائیل تأکید کرد که امنیت دولت و مردم اسرائیل خط قرمز حکومتی آلمان است.»

در عین حال چین «کمونیست» غیر از قر و غمزه‌های آرام و یواشکی در سازمان ملل هیچ اقدام عملی در ترمز این جنایت انجام نپسیده، زیرا منافعش در ادامه این جنایت است. چین به قطع نامه آتش بس شورای سازمان ملل متحد رأی ممتنع داد. این عملاً به معنی ادامه آتش اسرائیلی علیه مردم فلسطین.

این حوادث خونین باعث اعتراض میلیون‌ها از مردم جهان علیه تهاجم حماس به اسرائیل و جنایات خوفناک فاشیست‌های اسرائیل علیه مردم فلسطین شد. در عین حال تضاد درون دولت‌ها، تضاد دولت‌ها با مردمانشان و تضاد بین دولت‌های سرمایه‌داری را تشدید کرد و شرایط را برای صف بندی‌های جدید فراهم آورد.

ببینیم در سازمان ملل چه می‌گذرد: برزیل طرح پیشنهادی آتش بس موقت را به شورای امنیت سازمان ملل ارائه می‌دهد. در این جا آمریکا بار دیگر چهره جنایت کارانه خود را در وتوی آتش بس به جهانیان مینمایاند. روسیه از جنایت کار دیگری حمایت می‌کند و قطعنامه علیه حماس را وتو میکند. در عین حال به آتش بس موقت رأی ممتنع می‌دهد. عملاً یعنی آتش بس نه.

۱۲ عضو سازمان ملل به آتش بس رأی موافق می‌دهند. البته این کشورها دلشان به حال فلسطینی‌ها نسوخته است. این آتش بس شرایط را برای تازه کردن نفس برای اسرائیل و فرار فلسطینی‌ها از مناطق مسکونی‌شان و اشغال آن‌ها توسط سربازان اسرائیلی را فراهم می‌کند.

سازمان ملل و تمام سازمان‌های زیرساخت آن، مؤسساتی در خدمت نیروهای امپریالیستی است. هیچ کشوری در این سازمان طرفدار آزادی و رفاه ملت و یا ملت‌هائی نیست. همه نمایندگان سازمان ملل، نمایندگان دولت‌های سرمایه‌داری و امپریالیستی هستند. آن‌ها اساساً آتش بس کامل بین نیروها را نمی‌خواهند. آنچه نیمه نیمه می‌خواهند، آتش بس موقت است. سازمان ملل می‌تواند وتوی آمریکا را دور بزند و با فرستادن نیروهای مجهز و بی شمار، آتش بس را در منطقه تحمیل کند. ولی این از خصلت و ماهیت سازمان ملل بر نمی‌آید.

با تشدید حملات اسرائیل به نوار غزه و کشتار خوفناک مردم فلسطین، آقای گوترش دبیر کل سازمان ملل متحد بدون ذکر نام مشخصی، حماس و اسرائیل را محکوم کرد «حمله هفتم اکتبر در خلاء روی نداده و مردم فلسطین ۵۶ سال است که گرفتار «اشغالی اختناق‌آور» هستند. «می‌بینند که بر زمین‌هایشان شهرک‌سازی می‌شود و گرفتار خشونت می‌شوند، اقتصادشان خفه شده، مردمشان بی‌جا شده‌اند و خانه‌هایشان ویران شده است.» با این حال آقای گوترش تأکید کرد «نه رنج مردم فلسطین حمله حماس را توجیه می‌کند و نه حمله منجز کننده حماس مجازات جمعی مردم فلسطین را.»

سفیر اسرائیل در واکنش به این سخنرانی، خواستار استعفا یا عذرخواهی آقای گوترش شد. این روند در سازمان ملل تمام تضادهای نهفته بین کشورهای سرمایه‌داری عضو آن را رو می‌کند و تشدید مینماید.

در اسرائیل هر روزه تظاهرات علیه ادامه جنگ و اشغال و کشتار برپاست. در آمریکا اسرائیلی‌ها به پارلمان آمریکا یورش بردند، بدان داخل شدند و وتوی آتش بس توسط دولت آمریکا را محکوم کردند.

بین مردم فلسطین و مردم اسرائیل همبستگی بی سابقه‌ای ایجاد گشته و مردم هر دو منطقه مرتجعین حاکم بر خود را محکوم می‌کنند.

درگیری حماس و دولت اسرائیل تأثیر عمیقی بر صف بندی نیروها در سطح بین‌المللی گذاشته است:

دولت هند برای ورود هر چه بیشتر در صحنه بین‌المللی و تبدیل شدن به یک ابر قدرت اقتصادی، در رقابت با طرح یک کمربند و یک جاده، طرح ترانزیتی «هند، خاورمیانه، اروپا» را در نشست گروه جی ۲۰ رونمایی کرد. بایدن رئیس جمهور آمریکا، در روز شنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۲ در اجلاس گروه جی ۲۰ شرکت کرد و با نارندرا مودی نخست وزیر هند بر سر پیاده کردن این طرح مشورت نمود. در این طرح عربستان، اسرائیل و برخی کشورهای عربی خاورمیانه نیز شرکت دارند.

اجرا و پیشرفت این طرح می‌توانست و می‌تواند در صف بندی نیروها به لحاظ اقتصادی و سیاسی تغییرات مهمی ایجاد کند، بازار بورس، قیمت دلار و موقعیت چین و روسیه را در اوضاع بین‌المللی دگرگون سازد. به همین جهت چین و روسیه در این نشست شرکت نکردند. اجرای این طرح در عین حال می‌تواند بر موقعیت اقتصادی – سیاسی ایران در منطقه فشار منفی وارد کند.

یکی دیگر از اهداف این طرح نزدیکی اقتصادی - سیاسی عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی داخل در این طرح با اسرائیل است. عربستان سعودی در نشستی که با سران اسرائیل داشت، یکی از شروط نزدیکی بیشتر را حل مسأله فلسطین قرار داده بود. البته این فقط یک ژست بین‌المللی بیش نبود. ولی به هر حال عربستان را در دیدگاه بین‌المللی قدری متعهد می‌کرد.

تهاجم خونین و گسترده اسرائیل به مردم فلسطین و آواره کردن آن‌ها از خانه و زندگی‌شان، در اجرای طرح مودی تأثیر منفی برجای گذاشت. مناسبات عربستان و اسرائیل که تازه شروع شده بود، به حال تعلیق درآمد. «در میانه جنگ اسرائیل-حماس، عربستان سعودی تصمیم گرفت موضوع عادی‌سازی روابط با اسرائیل را «مسکوت» بگذارد». (The Time of Israel) سایت آلمانی Zeitonline نیز نوشت: «عربستان سعودی مذاکرات عادی سازی مناسباتش با اسرائیل را ملغی کرد»

از جانب دیگر عربستان سعودی برای برقراری صلح در منطقه، خواهان یک کشور فلسطینی است: «روند صلح معتبری را که منجر به اجرای راه حل برپایی دو کشور و همچنین باعث برقراری امنیت و صلح در منطقه و حفظ جان غیر نظامیان شود». (خبریان) خواست عربستان سعودی در تضاد ۱۸۰ درجه‌ای با سیاست‌های امروزه اسرائیل و متحدین‌اش می‌باشد.

اتحادیه عرب با ۲۲ عضو اصلی و ۵ عضو ناظر، در نشست خود خواهان قطع فوری تجاوزات حماس و اسرائیل به مردم اسرائیل و فلسطین شد. در بیانیه این اتحادیه آمده است: «ما کشتار غیر نظامیان را از هر دو جانب محکوم می‌کنیم. باید از غیر نظامیان بر مبنای ارزش‌های انسانی و حقوق بین‌المللی بدون هیچ قید و شرطی مواظبت شود. تمام زندانیان و ربه شده‌های غیر نظامی باید آزاد گردند». (Tagesschau) این اتحادیه نیز خواهان یک کشور فلسطینی است. حوادث فلسطین و اسرائیل بر درگیری‌های شدید نظامی غرب با روسیه در اوکراین سایه انداخته است. در این گیر و دار پوتین از یک تعهد بزرگ بین‌المللی سرباز می‌زند و جهان را گامی به تنش بزرگ نزدیک می‌کند پوتین «قانون لغو تعهد این کشور به پیمان منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای را امضا کرد».

در نتیجه حوادثی که حماس و اسرائیل به وجود آوردند، طرح آمریکا برای ایجاد روابط وسیع کشورهای خاورمیانه با اسرائیل، به طور مقطعی شکست خورد. دولت آمریکا، فرانسه، آلمان و انگلستان با دفاع آشکارشان از اسرائیل، در سطح جهان با دیگر پرده از چهره جنایت کار خود برداشتند. طرح «هند، خاورمیانه، اروپا»ی نارندرا مودی نخست وزیر هند، با معضل جدی روبرو گشته است. از این نظر نقطه مثبتی برای دولت چین رژیم ایران نیز هست.

اسرائیل در سطح بین‌المللی کاملاً منفرد گشته است. بسیاری از دولت‌ها به ابعاد بی سابقه جنات اسرائیل در غزه اعتراض کرده و برخی نیز سفارتخانه‌های خود را از این کشور برچیده‌اند. ولی اسرائیل بسط سرزمین تحت قلمروش را کماکان به پیش خواهد برد. مسأله فلسطین و حقانیت این ملت برای داشتن سرزمین مستقل در افکار عمومی زنده و فعال گشته است. حماس منفورتر شده ولی رهبران و رده‌های بالای این سازمان ضربه نخورده‌اند. به ویژه سران آن‌ها پیش از حمله اسرائیل فرار را بر قرار ترجیح داده و در مناطق امن به کار خود مشغولند. اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس با خانواده راهی قطر شده است. به قول محمود عباس سران حماس با آمبولانس فرار کردند. برخی از آن‌ها نیز در روسیه جا خوش کرده‌اند.

روسیه با وتو کردن قطعنامه علیه حماس در شورای امنیت سازمان ملل، برای خود یک اهرم نظامی در فلسطین و منطقه تدارک می‌بیند.

در سطح بین‌المللی بسیاری از گروه‌ها و سازمان‌ها به طور یک جانبه از حماس دفاع می‌کنند، حملات حماس به اسرائیل را انعکاس طبیعی سال‌ها سرکوب خونین و آوارگی ناشی از تهاجم اسرائیل می‌دانند. مردمان بسیاری نیز در جهان بین سازمان تروریستی حماس و مردم فلسطین فرقی قائل نیستند. ابرقدرتی اسرائیل و سکوت در قبال جنایاتش نسبت به مردم فلسطین شکسته شد. بسیاری از رسانه‌های جهان دهان گشوده و انتقادات شدید خود نسبت به دولت فاشیستی اسرائیل را محکوم می‌کنند. حتی دولت‌ها نیز دهان به اعتراض گشوده اند «یون بلارای، وزیر حقوق اجتماعی و رئیس حزب چپ پودموس اسپانیا، حتی خواستار قطع روابط دیپلماتیک با اسرائیل از سوی شریک ائتلافی خود، حزب سوسیال دموکرات شده است ... بلارای خواستار تحقیق دادگاه کیفری بین‌المللی علیه بنیامین نتانیا‌هو، نخست وزیر اسرائیل، به دلیل جنایات جنگی شد...» (مجله هفته - اقتباس از یونگه ولت - نویسنده: فولکر هرزدورف)

در مجموع افکار بین‌المللی، محکومیت اسرائیل نسبت به محکومیت حماس، کفه سنگین را تشکیل می‌دهد. این درست و واقعی‌ست ولی دفاع یکجانبه و کامل از حماس و یکی کردن آن با مردم فلسطین و یا سکوت نسبت به آن در این شرایط حساس، اوضاع را تا اندازه‌ای به نفع حماس و جمهوری اسلامی گردانده است. رژیم ایران نیز بیکار ننشسته است. توسط سازمان‌های هوادارش به پایگاه‌های آمریکا در منطقه تهاجم می‌کند. به طوری که واشنگتن پست می‌نویسد: «آمریکا در

صورت تشدید جنگ غزه اتباع خود را از خاورمیانه خارج می‌کند.» و این آن چیزی است که چین و روسیه و ایران عمیقاً خواهان آن‌اند.

از آنجائی که در این حوادث جنبش کمونیستی بین‌المللی حضور فعال ندارد، گرایش مذهبی در جهان تقویت خواهد شد و این یک فاکتور به نفع جمهوری اسلامی و به ضرر جنبش زنان در ایران است. نیروی دیگری که از این درگیری‌ها و خون‌ریزی‌ها عملاً سود فراوان برده است، دولت چین است زیرا طرح نارندرا مودی را با مشکلات استراتژیک رو برو کرده است.

این حوادث نشان داده‌اند که اسرائیل نه تنها قدر قدرت نیست بلکه دارای ضعف‌های جدی استراتژیک و خبری است. دولت آمریکا که تحت سلطه کنسرن‌های بین‌المللی برخاسته از درون کشور خودش می‌باشد و بخشی از آن‌ها در ید قدرت‌های صهیونیستی است، برای این عزیز دردانه‌اش بودجه عظیمی را در نظر گرفته است. لذا با افول قدرت اقتصادی‌اش قادر نیست مخارج بیش از هزار پایگاه در سراسر جهان، مخارج جنگ در اوکراین و کمک‌های «بشردوستانه» به اسرائیل را تمام و کمال تأمین کند.

دولت آمریکا تا کنون ۱۱۳ میلیارد دلار هزینه اوکراین را پرداخته است. ۷۰ میلیارد دلار برای اسلحه و ۴۳ میلیارد دلار کمک مالی و غیره (World Socialist Web Site) ولی تضاد در آمریکا در این زمینه هر روز شدت می‌یابد. سنای آمریکا به جای تصویب ۲۴ میلیارد دلار بودجه برای کمک نظامی و اقتصادی به اوکراین در سال ۲۰۲۴، ۴/۵ میلیارد دلار کمک نظامی و ۱/۶۵ میلیارد دلار کمک اقتصادی به این کشور را تصویب کرده است. (خبر آنلاین) دولت جو بایدن از مجلس آمریکا در خواست ۱۰۶ میلیارد دلار برای کمک به اسرائیل و اوکراین کرده است. به نظر می‌رسد، این درخواست ناموفق خواهد بود. به هر جهت درگیری مالی آمریکا در جاهائی مثل فلسطین و اسرائیل به نفع روسیه، چین و جمهوری اسلامی است. دقیقاً در این شرایط که در منطقه فلسطین دو طرف همدیگر را موشک باران می‌کنند، دولت ایران تعهد خود نسبت به شورای امنیت در ساختن موشک‌های بالستیک را ملغاً اعلام کرد.

در عین حال آگاهی مردم از ماهیت جنگ در اوکراین بالا رفته است و دیگر حاضر نیستند، مالیات‌های سنگینی که می‌پردازند، صرف نیازهای تسلیحاتی اوکرائینی‌ها در خدات اهداف امپریالیسم آمریکا و غرب قرار گیرد «در روز یکشنبه بیش از ۱۳۰ هزار نفر در برلین تظاهرات کرده، خواستار استعفای فوری دولت، علیه ارسال اسلحه به اوکراین، جنگ بی معنا، خواستار بسته شدن پایگاه‌های آمریکا در آلمان شدند. در کلیه کشورهای جهان تظاهرات عظیم و در پشتیبانی از مردم غزه برپا گردیده است. هر گروه اجتماعی مترقی در حد امکانش برای توقف جنگ در تلاش و کوشش است. مثلاً:

معترضان به جنگ اسرائیل علیه غزه برای بار دوم، این بار در تاکوما در ایالت واشنگتن، موفق شدند برای ساعاتی جلوی کشتی حمل سلاح را که گفته می‌شود عازم اسرائیل است، بگیرند. همزمان کارگران حمل بار در بندر بارسلونا می‌گویند که جلوی کشتی‌هایی را که مهمات و مواد جنگی حمل می‌کنند، خواهند گرفت.

از جانب دیگر، فروکش کمک آمریکا به اوکراین که ناشی از درگیری‌های فوق در خاورمیانه است نه تنها باعث هراس فاشیست‌های اوکرائینی شده بلکه عدم تمایل برخی کشورهای اروپائی در کمک به اوکراین را که در شرایط اولیه جنگ نمیتوانست بروز خارجی یابد، آشکار کرده است.

به گزارش اسپوتنیک، نشریه پولیتیکو به نقل از سخنگوی کابینه وزیران اسلواکی نوشته است «دولت بورکراتیک اسلواکی دیگر تجهیزات نظامی به اوکراین نخواهد فرستاد» نخست وزیر یونان نیز با کمک مالی به اوکراین مخالفت کرده است. دولت مجارستان نیز پیشتر تحویل بسته تسلیحاتی ۵۰۰ میلیون یورویی را برای کی‌یف وتو کرده است.

این روند در اروپا در جریان رشد تضادهای درونی دولت‌ها در حال تشدید است. البته غربی‌ها پول مجانی به کسی نمی‌دهند. بلکه همه این کمک‌ها به صورت وام داده می‌شود «طبق گزارشی مبنی بر بودجه ۲۰۲۲ اتحادیه اروپا، دیوان محاسبات این اتحادیه خاطر نشان کرد که اتحادیه اروپا در معرض ضررهای مالی قرار گرفته و این مقدار از ۲۰۴.۹ میلیارد یورو در سال ۲۰۲۱ به ۲۴۸.۳ میلیارد یورو تا پایان سال گذشته میلادی افزایش پیدا کرده است. این گزارش تأکید کرد: بخشی از این افزایش به دلیل کمک‌های مالی اتحادیه اروپا به اوکراین است. علی‌رغم خطری درخصوص اینکه شاید اوکراین قادر به بازپرداخت بدهی‌هایش نباشد، کمیسیون اروپا در حال حاضر بر روی یک بسته کمکی دیگری به ارزش ۵۰ میلیارد یورو کار می‌کند.» (ایسنا)

به عبارت دیگر اوکراین تا انقلاب سوسیالیستی درونش، به یک برده تام و تمام امپریالیستهای غربی تبدیل شده است.

جمع‌بندی اوضاع بین‌المللی در رابطه با ایران

از آنچه که گذشت معلوم می‌گردد که تضادهای طبقاتی در جهان در جریان این درگیری به شدت حاد شده. شدت تضاد خود را در دولت‌ها، طبقات در اپوزیسیون و بین دولت‌ها به روشن‌ترین وجهی مینمایاند. دولت‌ها سعی می‌کنند بر مبارزات مردم علیه فاشیسم اسرائیل و سازمان تروریستی حماس، موج سواری کنند و از این نم در مقابل رقیب برای خود کلاهی بسازند.

اکثریت مردم جهان چهره ددمنش و آدمکش دولت اسرائیل را دیدند و به ماهیت آن بیشتر آگاه شدند. میلیون‌ها از مردم آزادیخواه و مترقی برای رهائی مردم فلسطین به خیابان‌ها آمدند و از حماس و مردم فلسطین یک سطح پشتیبانی کردند. حرکت کل در این روزها نشانه‌ای از شکست تلاش‌های آمریکا در منطقه، شکست طرح ترانزیتی نارندرا مودی، رها شدن موقتی چین از یک رقیب تجاری سیاسی مثل هند، گسترش بیشتر ابر سیاه مذهبی در خاورمیانه دارد.

روند اوضاع در خاورمیانه شرایط جدائی کشورهای عرب و خاورمیانه از امپریالیست‌های غربی و نزدیکی‌شان به امپریالیست‌های شرقی را مساعدتر کرده است.

همه این مناسبات تا حدودی به نفع رژیم ایران رقم خورده است. موقعیت بین‌المللی برای رژیم ایران قدری مساعدتر شده است.

اوضاع داخلی ایران:

ایران کشوریست بزرگ با منابع بسیار. این کشور در فلات ایران قرار دارد و نیمی از آن را پوشش میدهد. جمعیت کنونی ایران کمی بیش از ۸۵ میلیون نفر است. ۱۸,۸۰٪ این جمعیت را کارگران تشکیل میدهند حدود ۱۶ میلیون نفر. اگر خانواده کارگری (به طور متوسط ۳,۵ نفر) را نیز به حساب آوریم کارگران و خانواده‌هاشان حدود ۵۶ میلیون نفر هستند. ۶,۳٪ جمعیت ایران را سرمایه‌داران تشکیل میدهند حدود ۷,۴ میلیون نفر. جمعیت خرده بورژوازی ایران ۳۱,۱٪ کل جمعیت یعنی ۳۶,۶ میلیون نفر است. به عبارت دیگر طبقه کارگر پر جمعیت‌ترین، طبقه سرمایه‌دار کم جمعیت‌ترین و خرده بورژوازی بعد از پرولتاریا پر جمعیت‌ترین اقشار جامعه است.

ایران یک کشور سرمایه‌داریست. سرمایه‌داری ایران بر پایه شرایط خاص تاریخی و بین‌المللی خود، سرمایه‌داری ویژه‌ایست. اقتصاد دولتی که حافظ منافع قشر خاصی از بورژوازی ایران است، اقتصاد رانتی‌ست. اکثر کشورهای سرمایه‌داری به ویژه امپریالیستی بر پایه رشد و تکامل صنعت و تولیدات صنعتی نیازهای مالی خود را تأمین مینمایند. در ایران تولید ثروت اجتماعی متمرکز در دولت روال دیگری دارد. این ثروت اساساً و نه مطلقاً، از تولید صنعتی و رشد صنایع حاصل نمی‌گردد، بلکه از فروش نفت و مشتقات آن، فروش اموال دولتی، بورس بازی، گرانی و تورم حاصل می‌گردد. نگاهی گذرا به بودجه ۱۴۰۲ این واقعیت تلخ را قابل لمس مینماید:

کل بودجه سال ۱۴۰۲ کمی بیش از ۵ میلیون و ۲۶۱ هزار و ۹۶۹ میلیارد تومان است. «رئیس سازمان برنامه و بودجه ایران می‌گوید درآمدهای دولت در هفت ماه اول امسال ۳۰ درصد کمتر از رقم پیش‌بینی‌شده در قانون بودجه بوده است.» (بی بی سی نیوز - فارسی)

در واقع بودجه سال ۱۴۰۲ تا پایان سال، بیش از ۴۵ درصد کسری خواهد داشت.

این کسری از کجا تأمین می‌شود؟ از فروش ارز. به چه معناست؟ بدین معنا که وقتی دولت با فروش نفت ارز خارجی به دست می‌آورد، بر طبق قانون رشد سرمایه‌داری می‌بایست در پیدایش کارخانجات صنعتی جدید، نوسازی ابزارهای تولید و بسط و گسترش تکنولوژی برای تکامل صنایع به کار رود. ولی در ایران بخشی از این ارز را به مصرف کسر بودجه می‌رسانند. فرض کنیم که بودجه ایران ۱۰ هزار تومان کسری داشته باشد. دولت از ارز به دست آمده از فروش نفت فقط ۲۰۰ دلار به کسر بودجه اختصاص میدهد. قیمت دلار در بازار ۳۵ تومان است. در نتیجه ۲۰۰ دلار با قیمت ۳۵ تومان می‌شود ۷۰۰۰ تومان. دولت قیمت ارز را بالا میبرد و به ۵۰ تومان می‌رساند. یک دلار را به بانک‌های ایران به جای ۳۵ تومان، ۵۰ تومان می‌فروشد و کسر بودجه خود را تأمین می‌کند. ولی بالا رفتن قیمت ارز باعث تورم شدید می‌شود. قیمت همه چیز در سطح افزایش نرخ ارز بالا می‌رود و زحمتکشان خانه خرابتر میشوند. اقتصاد رانتی ایران این مرض ژنتیک را دارد. هر سال با کسر بودجه رو به رو می‌شود و هر سال تورم واقعی تا بیش از ۷۰ درصد می‌رسد. و گاهی سه رقمی می‌شود. «یحیی ابراهیمی، نماینده مجلس می‌گوید که «تورم واقعی در کشور سه رقمی است...»» (بی بی سی فارسی - ۵ فروردین ۱۴۰۲)

به بیان دیگر بالا رفتن قیمت ارز فقط ناشی از شرایط بین‌المللی اقتصاد نیست بلکه حقه‌های خانمان برانداز دولت سرمایه‌داری ایران علیه مردم است. تا وقتی سرمایه‌داری در ایران حاکم است، کسر بودجه و ناشی از آن تورم فزاینده در هر سال گریبانگیر مردم زحمتکش خواهد بود. «کسری تراز عملیاتی لایحه بودجه ۱۴۰۲ بیش از ۴۷۶.۱ هزار میلیارد تومان اعلام شده که در مقایسه با لایحه بودجه ۱۴۰۱ حدود ۵۸.۶ درصد افزایش یافته است.» (euronews)

وقتی ارز گران می‌شود، آنهایی که در معاملات خارجی ارز به دست می‌آورند میلیاردها تومان سود به جیب می‌زنند. زمینه‌های درآمد بودجه عبارتند از: درآمد مالیاتی، درآمد حاصل از فروش نفت و فراورده‌های نفتی، درآمد حاصل از فروش اوراق مالی و اسلامی، درآمد حاصل از فروش شرکت‌های دولتی. (فارسی Euronews) از داده‌های اویرو نیوز (Euronews) فارسی چنین حاصل می‌شود که ۵۲,۷۷ درصد بودجه ایران را درآمد نفت تشکیل می‌دهد. مجموعه درآمدهای دولت غیر از مالیات، حدود ۷۷/۳۲ درصد کل درآمد را به خود اختصاص داده است. درآمد از مالیات حدود ۲۳ درصد کل درآمد است.

از آنجائی که «وزیر صنعت، معدن و تجارت ... گفت: بخش صنعت، معدن و تجارت با در اختیار داشتن ۳۷ درصد اشتغال، ۷۰ هزار واحد صنعتی، ۱۰ هزار معدن، سه میلیون واحد صنفی، ۹۰ هزار انبار و ۴۰ هزار بازرگان، سهم ۳۰ درصدی از تولید ناخالص داخلی کشور را دارد» (ایلنا - کد خبر: ۱۳۷۳۹۵۶ - قرائت: ۱ سپتامبر ۲۰۲۳) روشن می‌گردد که بر سه شاخه مهم اقتصادی کشور فقط ۳۰ درصد از بودجه را اختصاص داده‌اند.

بیشتر این سهم را بورژوازی تجاری مدرن ایران یعنی صاحبان شرکت‌های غول پیکر صادرات و واردات که صاحبان آنان دولتمردان جمهوری اسلامی به ویژه سران سپاه پاسداران هستند، به خود اختصاص می‌دهند و سهم نوسازی صنعت کمترین می‌باشد.

این در حالی است که بوروکراسی ورم کرده دولت هر روز فربه‌تر می‌گردد «بررسی برنامه مالی دولت رئیسی برای سال آینده کشور نشان می‌دهد که حدود ۶۰ درصد از منابع عمومی دولت، طبق برآورد لایحه بودجه ۱۴۰۲، خرج دستگاه‌ها و نهادهای دولتی خواهد شد.» (دنیای اقتصاد - انتشار ۳/۱۱/۱۴۰۱)

هر چه اقتصاد ایران بیشتر به منابع غیر تولید صنعتی وابسته می‌شود، قشر حاکم فربه‌تر، اقشار متوسط و فرو دست و تولید کننده در مسکنت بیشتر فرو می‌روند که نتیجه آن خیزش‌های اجتماعی و در عدم حضور حزب کمونیست راستین ایران، به سرکوب خونین مردم میانجامد. بودجه ارگان‌های «فرهنگ اسلامی» برای سال ۱۴۰۲ بیش از ۱۰۱ هزار میلیارد تومان است.

در ایران امروز همه چیز در حال تخریب است، زمین بیش از ۳۵ سانتیمتر در سال فرو کش می‌کند، آب‌های زیر زمینی خشک و یا بخشاً مسموم شده‌اند، آب رودخانه‌ها و دریاچه‌ها خشک شده‌اند، مناطق لم یزرع ایران وسعت بی سابقه‌ای یافته و شهرها به شهرهای رانتی سرمایه‌دارانه تبدیل شده‌اند. بیشتر خانه‌ها متعلق به مافیای زمین و ساختمان است. همه بساز و بفروشی است، همه آن‌ها یکی پس از دیگری فرو میریزند و هزاران نفر را دفن می‌کنند. زندگی کارگران در دهان مرگ فرو می‌رود (ما وضعیت دردناک و هراس انگیز زندگی کارگران را در کمون شماره پیش مبسوط تحلیل کرده و نشان داده‌ایم)

این وضعیت دیگر نمی‌تواند ادامه یابد. رژیم فاشیستی ایران نیز این خطر را درک کرده است. برای نجات خود اکنون «سه راه حل» پیدا کرده است:

۱- سرکوب خونین و خفه کردن هر صدای اعتراضی. آخرین جنایت در این زمینه، کشتن ارمیتا و مهرجویی است. این راه حل بیرون رفتن از معضل نیست. مسکن است. به زودی اثرش از بین می‌رود.

۲- استفاده از شرایط بین‌المللی که در حال حاضر چرخش‌هایی به نفع جمهوری اسلامی در آن دیده می‌شود. عضویت در سازمان‌های بین‌المللی و از این طریق تحکیم شرایط بین‌المللی خود.

۳- تدارک و سازماندهی نیروهای تروریستی خارج از کشور مثل حماس، حشدالشعبی و حزب‌الله برای سرکوب مردم و انقلاب در ایران.

بورژوازی ایران همانند بخش‌های دیگر آن در کشورهای جهان، در عین ستمگری و خونخواری، بزدل، خائن و فرار طلب است. در درگیری‌های اخیر حول محور فلسطین، دولت ایران تا آن جا حاضر به مایه گذاشتن است که به طور مستقیم وارد قضایا نشود. شاخ و شانه میکشد ولی خود را نیز کنار میکشد. این رژیم حاضر است میلیاردها پول مردم ایران را به حماس ببخشد ولی برای حماس حاضر نیست وارد میدان شود. در عین حال می‌داند که روسیه و چین همجنس خودش هستند و پشت‌اش را خالی می‌کنند. لذا در صورت شکست کامل حماس، رژیم ایران آن‌ها را در ایران پناه می‌دهد و به صورت یک اهرم فاشیستی کار آزموده علیه مردم ایران به کار می‌گیرد. در آینده‌ای نه چندان دور ما در ایران با حماسی‌ها رو به رو خواهیم شد.

ایران با تنش و تشدید نظامی‌گری در خاورمیانه و شرکت مستقیم ولی پوشیده در آن، انگیزه دیگری را برای سرکوب اپوزیسیون کشور با بهانه کشور در خطر است و هر معترضی جاسوس بیگانه است، فراهم می‌آورد.

اکنون در اوضاع بین‌المللی دستان آمریکا، کشورهای معتبر امپریالیستی اروپا، اسرائیل، روسیه در چندین منطقه از کره خاکی بند است. رژیم ایران دستانش در این درگیری گیر کرده است و هر روز بیش از روز پیش در آن درگیر میشود.

همه این‌ها شرایط مساعدی برای پیشرفت انقلاب در ایران فراهم می‌آورد و وظائف هر قشر و طبقه‌ای را برای تأمین منافعش در اوضاع متغیر کنونی تعیین می‌کند.

وظائف جنبش کمونیستی و کارگرای ایران در شرایط فعلی:

۱- در شرایط امروز که تضادهای درون سیستم جهانی سرمایه‌داری حاد می‌شود و به ویژه تضاد کار و سرمایه اوج دیگری می‌گیرد، وظیفه اجتناب ناپذیر جنبش کمونیستی هر کشوری منجمله ایران همکاری با سازمانهای کمونیستی کشورهای مختلف جهان است. این همکاری باید هدفمند در یک پروسه مبارزه ایدئولوژیک به انترناسیونال کمونیستی بیانجامد. در عین حال ضروریست که کمونیست‌های ایرانی در مبارزات دمکراتیک مردم این کشورها شرکت فعال داشته باشند و همراه کمونیست‌های این کشورها سمت مبارزات دمکراتیک را به مبارزات سوسیالیستی و ضد سرمایه‌داری سوق دهند.

کمونیست‌ها باید کمک کنند تا کارگران ایران از مبارزات دمکراتیک و سوسیالیستی مردم کشورهای دیگر نیز پشتیبانی نمایند.

۲- جنبش کمونیستی برای افشای هر چه بیشتر رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم، باید به نقطه‌های گرهی تضادهای بین‌المللی سرمایه‌داری و ستمی که بر مردم آن مناطق وارد می‌شود توجه ویژه مبذول دارند. امروزه این نقاط گرهی، اوکراین و فلسطین است. تحلیل تضادها در این نقاط می‌تواند بسیار زنده و گویا همکاری رژیم ایران با سرکوبگران امپریالیست بین‌المللی، مناسبات رژیم ایران با این اوضاع بین‌المللی، نقش خود مردم ایران در این اوضاع و شرایط را به پرولتاریا و توده‌های تحت ستم بنمایاند و آگاهی بین‌المللی و داخلی آن‌ها را بالا ببرد و برای انقلاب واقعی آماده سازد.

۳- کمونیست‌های واقعی ایران باید از رهبران ترسو، رهبرانی که منافع سازمان و گروه خود را بالاتر از منافع پرولتاریای ایران و جهان قرار می‌دهند، رهبرانی که همه با همی هستند و رویزیونیسم را در جنبش کمونیستی نشاند می‌دهند، رهبرانی که ده‌ها سال فعالیت “کمونیستی” خود را به صورت روتین جلو برده‌اند و به افراد تجریدی و دکماتیست تبدیل شده‌اند. دل برکنند، اراده خود را صیقل دهند، برای ایجاد حزب کمونیست واقعی و راستین ایران قد برافرازند. شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مردم ایران از زمان تشکیل حزب کمونیست ایران در ۱۹۲۰، نه تنها عقب‌تر نیست بلکه در شرایط جدید بسیار پیشرفته‌تر است. طبقه کارگر آن روز حتی سواد هم نداشت، امروز سواد متوسط کارگران کلاس ده دبیرستان است. سرمایه‌داری ایران نسبت به آن زمان رشد بسیار عظیمی را پشت سر دارد. تضاد کار و سرمایه در ایران در اوج خود قرار دارد. تعداد کارگران در این روزها با تعداد اندک آن‌ها در ۱۹۲۰ قابل مقایسه نیست. کل مردم ستم دیده ایران دارای آگاهی بالایی از رژیم، شرایط داخلی و بین‌المللی است.

ولی در آن روز کمونیست‌های ایران همت کردند، اراده کردند، از خود مایه گذاشتند، دفتر و دسک گروهشان در مقابل منافع پرولتاریا کوچکترین ارزشی نداشت. به همین جهت توانستند حزب کمونیست ایران را به وجود آورده و اولین منطقه آزاد در کشورهای نیمه مستعمره و نیمه فئودال جهان را شکل دهند. در این روزها هر قدر شور و شوق در بین جوانان برای انقلاب کردن است، سستی و بی حالی گریبان رهبران جنبش کمونیستی را محکم گرفته و میفشارد.

عده‌ای در بوق خود میدمند که هنوز شرایط ایجاد حزب کمونیست فراهم نیست. این بزرگواران با وقار و طمئینه جا خوش کرده‌اند تا شرایط اش فراهم شود و آنگاه بزرگوارانه از جا برخیزند و آن را رهبری کنند. امروزه توجهات تهوع آوری در مورد عدم فعالیت برای ایجاد حزب کمونیست که گوش می‌خورد.

در نتیجه مبارزه ایدئولوژیک کمونیست‌های راستین ایران در این شرایط مشخص، مبارزه علیه وادادگی و عقب‌روی در ایجاد حزب کمونیست راستین و سراسری ایران است. همه شرایط فراهم است. برخیزیم. ما گام اول این حرکت تاریخی را برگزاری یک کنفرانس از کمونیست‌های واقعی که پنج بند زیر را قبول داشته باشند، می‌دانیم.

پنج معیار لازم برای شرکت در کنفرانس تدارک ایجاد حزب راستین و سراسری کمونیست ایران:

- در درون طبقه کارگر حضور دارند،
- به ضرورت وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب کمونیست راستین پرولتاریا باور دارند.
- به انقلاب قهر آمیز توده‌ای به رهبری پرولتاریا معتقدند،
- به ایجاد جامعه سوسیالیستی بلافاصله بعد از سرنگونی رژیم سرمایه‌داری ایران معتقدند
- و بر قراری دیکتاتوری پرولتاریا را برای ساختمان سوسیالیسم قبول دارند.

۴- جنبش کارگری ایران پس از یک اوج و رسیدن به دستاوردهای بزرگی در زمینه سازماندهی و مبارزه عمومی علیه رژیم سرمایه‌داری و شرکت فعال در پشتیبانی از تمام بخش‌های مترقی جنبش مثل جنبش زنان، معلمان، بازنشستگان و غیره، گام به گام از بالاترین دستاورد تئوریک - سیاسی خود فرو نشست و با خود، جنبش ۱۴۰۱ را نیز به عقب نشینی داد. بالاترین دستاورد کارگران در آن روزها در بیانیه «تداوم نبردی سخت و نابرابر...» انعکاس یافت. در این بیانیه آمده است «ماه‌ها و هفته‌های آخر هر سال زمان از سرگیری نبردی نابرابر، دشوار و حیاتی به منظور تعیین حداقل مزد و افزایش سطح عمومی دیگر مزدها برای سال آینده است. در یک سوی این نبرد میلیون‌ها کارگر زن و مرد در رشته‌های مختلف صنعت، خدمات و کشاورزی قرار دارند که خواستار مزدی درخور در مقابل فروش نیروی کار خود هستند، مزدی که پاسخگوی هزینه‌های روزافزون زندگی و تامین کننده نیازهای فزاینده‌ی خود و خانواده‌هایشان باشد. در طرف دیگر این نبرد، سرمایه‌داران و دولت حامی آنها و عوامل وابسته به کارفرمایان و دولت که زیر عنوان دروغین «نماینده کارگران» در «شورای عالی کار» قرار دارند که به شیوه‌های مختلف می‌کوشند تا آنجا که ممکن است سطح مزدهای واقعی، یعنی قدرت خرید کارگران، را پایین نگاه دارند و سهم هرچه بیشتری از تولید اجتماعی کارگران را به تصاحب سرمایه در آورند...»

جنبش کمونیستی موظف است که گام به گام دوباره سطح آگاهی و درخواست‌های جنبش کارگری را تا سطح بیانیه تداوم نبردی سخت و نابرابر، بالا بکشاند، آن‌ها را متشکل کنند و از این طریق نفوذ خود را در بین سایر اقشار و طبقات مترقی بگستراند.

۵- قشر خرده بورژوازی ایران حدود ۲۳ میلیون نفر است. اکثر این قشر را قشر ترحانی و فقیر روستائی تشکیل می‌دهد. این قشر صاحب زمین اندکی است که برای بار آوری آن چندین مکنده مالی شیره جان صاحب ملک را می‌مکند: صاحب تراکتور، صاحب چاه آب، صاحب کود و صاحب بذر یا گیاه مورد لزوم برای تولید. این قشر فقیر، شدیداً ستم دیده و سرکوب شده، به لحاظ فکری عقب مانده‌ترین قشر خرده بورژوازی ایران است. این قشر در عین حال پراکنده‌ترین نیز هست. و به علت دوری از محیط شهر و پراکندگی‌اش نه سازمانی دارد و نه مبارزه پراکنده و دردناکش به گوش کسی می‌رسد.

برای پیروزی انقلاب، بسیج و سازماندهی این قشر اهمیت بسزائی دارد. زیرا در صورت عدم آگاهی، این قشر می‌تواند بر مبنای تصاحب زمین، دشمن سرسخت انقلاب سوسیالیستی گردد. تجربه انقلاب روسیه نشان می‌دهد که در صورت کار سیاسی - ایدئولوژیک در میان آن‌ها، این قشر می‌تواند به متحد ثابت و پابرجای انقلاب سوسیالیستی تبدیل گردد. جنبش کمونیستی باید به این مهم توجه کافی مبذول دارد. در ایران دیکتاتوری پرولتاریا یعنی دولت متحد پرولتاریا و تهیدست‌ترین تهیدستان شهر و روستا

...

امروز تضادها در سطح بین‌المللی در حال تشدید شدن است، روند نظامی‌گری در جهان هر روز شدت می‌یابد، دولت‌ها به راست می‌گرایند و فاشیسم جان تازه‌ای گرفته است. رژیم ایران بیش از سابق درگیر مناسبات بین‌المللی است. با وجود این که برای سرکوب مردم از آن به عنوان اهرم استفاده می‌کند ولی تمرکز رژیم بیش از گذشته روی مسائل بین‌المللی است. انقلابیون باید این فرصت را دریابند و بجای تئوری پراکنی و وقت‌گذرانی، در دو سطح به سازماندهی بپردازند:

- سازماندهی علنی دمکراتیک. این بعد از تلاش برای ایجاد حزب کمونیست، مهمترین وظیفه کمونیست‌ها و طبقه کارگر است. هر چه این سازمان‌ها گسترده‌تر باشند، هر چه علنی‌تر باشند و وظائف قشر خود را علنی به پیش ببرند، شرایط برای انجام کارهای مهم مخفی مساعدتر خواهد شد.

- سازماندهی مخفی کمونیستی و کارگری. این سازماندهی علاوه بر انجام وظائفی که نمی‌توان در سطح علنی انجام گیرد، مثل یک تور تمام بخش‌های جنبش یک طبقه و یا کل جنبش‌های یک منطقه را به هم پیوند می‌دهد و از ریزش آن جلوگیری می‌کند.

ما می‌دانیم که درک ما هنوز قدری از واقعیت شدیداً متغییر کنونی فاصله دارد. ما فقط با کمک دیگر کمونیست‌ها می‌توانیم به این واقعیت قدری نزدیک‌تر شویم. امیدواریم که مغزهای متفکر و رادیکال جنبش کمونیستی ایران یاریمان دهد.

نظم کمونیستی